

چاپ عکسی شاهنامه سن ژوزف

علی صفری آق قلعه

شاهنامه (نسخه برگردان دستنویس NC. 43 المكتبة الشرقية)، سروده حکیم ابوالقاسم فردوسی، به کوشش ایرج افشار و محمود امیدسالار و نادر مطلبی کاشانی، تهران، انتشارات طلایه، ۱۳۸۹ ش.

تجربه نشان داده است که هیچ عاملی به اندازه دسترسی به نسخه‌های اصیل و کم‌غلط در کار تصحیح متون کارآمد و حیاتی نیست. چرا که ضبط‌های کهن و شاذ برخی از واژه‌ها و تعبیرات، گاه چنان در نسخه‌ها دگرگون می‌شود که حتی آگاه‌ترین مصححان هم نمی‌توانند به شکل اصلی آن‌ها دست یابند. این موضوع درباره متونی چون شاهنامه بیش‌تر صدق می‌کند چرا که بیش‌تر دشواری‌هایی که اکنون در این متن بر جای مانده مربوط به همین ضبط‌ها است. بنابراین، پیداشدن نسخه‌های اصیل و ارزشمند از این اثر مزده‌ای به شاهنامه‌پژوهان و دوستداران زبان فارسی به شمار می‌آید.

درباره نسخه‌های شاهنامه شاید افزون بر دو دهه بود که هیچ دستنویس قابل توجهی از آن شناسانده نشده بود اما چندی پیش، یکی از این دستنویس‌ها شناسایی شد که هم‌اکنون به صورت نسخه‌برگردان منتشر شده و پس از این بدان خواهیم پرداخت. دستنویس یادشده مدت‌ها در «المکتبة الشرقية» متعلق به دانشگاه سن ژوزف (بیروت) نگهداری می‌شد اما از آنجا که نسخه‌های فارسی و ترکی این مجموعه تا چندی پیش فهرست نشده بود، پژوهشگران از وجود دستنویس یادشده شاهنامه ناآگاه بودند. این نسخه نخستین بار توسط دکتر سید مصطفی موسوی در جریان فهرست‌نویسی نسخه‌های فارسی آن کتابخانه به سال ۱۳۸۴ ش شناسایی شد.^۱

تا جایی که نگارنده به یاد دارد آقای دکتر موسوی در

ماه‌های آغازین سال ۱۳۸۶ ش برای دیدار با همکاران ما در مرکز پژوهشی میراث مکتوب - آقایان احمدرضا رحیمی‌ریسه و ناصر گلباز - به مرکز آمده بودند و سخن از فهرست‌نویسی آن مجموعه و بویژه پیداشدن نسخه کهن و ارزشمندی از شاهنامه به میان آمد و این که دستیابی به تصویر نسخه با مشکلاتی رویاروی است و در آن زمان فقط توانسته بودند که تصویر یازده برگ از نسخه را فراهم آورند. ارزشمندی و بویژه قدمت نسخه از روی همان چند برگه نیز هویدا بود و لذا ایشان در پی آن بودند تا وسیله‌ای فراهم شود و تصویری از این نسخه ارزشمند تهیه شده و در دسترس پژوهشگران نهاده شود. بویژه که ایشان پیش‌ترها بخشی از شاهنامه - یعنی داستان بیژن و منیژه - را منتشر کرده، با متن آشنا بودند و بر ارزشمندی نسخه تأکید داشتند. در فاصله فراهم آمدن تصویر تمامی نسخه، مقاله‌هایی بر پایه همان یازده برگ نوشته شد که برخی از ویژگی‌ها و جهات اهمیت نسخه را نشان می‌داد: - «نسخه‌ای کهن از شاهنامه فردوسی»، دکتر مصطفی موسوی، نامه بهارستان، پیاپی ۱۳ و ۱۴ [۱۳۸۶ - ۱۳۸۷ ش]، صص ۲۷۹ - ۲۸۴.

- «دستنویس نویافته از شاهنامه فردوسی»، جلال خالقی مطلق، نامه بهارستان، پیاپی ۱۳ و ۱۴ [۱۳۸۶ - ۱۳۸۷ ش]، صص ۲۰۹ - ۲۷۸.

و البته بعدها که تصویر تمامی نسخه در دسترس شاهنامه‌پژوهان قرار گرفت، روشن شد که به‌کارگیری این نسخه - با وجود برخی کاستی‌ها - در پژوهش‌های سپسین شاهنامه کاملاً ضروری است. و چنان که شنیدیدم آقای خالقی مطلق که آخرین و دقیق‌ترین متن انتقادی شاهنامه تاکنون توسط ایشان فراهم آمده، در صدد چاپ دوباره متن با

۱. نسخه‌های فارسی این مجموعه با فهرست‌نویسی دکتر موسوی در: «فهرست نسخه‌های خطی فارسی و ترکی المکتبة الشرقية، بیروت - لبنان» منتشر شد و نسخه یادشده در صفحات ۳۴۹ - ۳۵۰ فهرست شناسانده شده است (نک: کتابنامه). گفتنی این که بخش مربوط به نسخه‌های ترکی آن مجموعه توسط آقای علی‌اصغر قهرمانی مقبل در خلال همان فهرست منتشر شده است.



بهره‌گیری از این نسخه و ثبت اختلاف ضبط‌های مهم دیگر نسخه‌ها هستند. این نکته جای خرسندی دارد چرا که از چاپ نخستین جلد شاهنامه به تصحیح ایشان سال‌ها گذشته است و در طول این مدت قطعاً آشنایی مصحح با ظرایف متن افزون شده و یک ویرایش کلی از این متن می‌تواند حاوی آخرین بررسی‌های ایشان بر روی شاهنامه باشد.

ما پس از آن دیدار با آقای دکتر موسوی از کوشش‌هایی که برای دستیابی به تصویر نسخه صورت گرفت آگاهی چندانی نیافتیم اما سرانجام با پیگیری‌های انجام شده توسط ایشان و کمک دلسوزانی چون استاد زنده‌یاد ایرج افشار، آقای دکتر محمود امیدسالار و آقای نادر مطلبی کاشانی تصویر نسخه از کتابخانه سن ژوزف فراهم آمد و به صورت نسخه‌برگردان منتشر شد.^۲

— که در دیباچه‌های چاپ نسخه‌برگردان نیز بدان اشاره شده — توجه می‌دهد که یکی از مالکان پیشین نسخه در دوره حکومت عثمانی دستکاری‌هایی در نسخه اعمال کرده که بخشی از آن شامل بازنویسی بخش‌هایی از نسخه است که در اثر آبدیدگی محو شده بوده و در برخی موارد نیز واژه‌هایی را نقطه‌گذاری کرده است.^۳ این دستکاری‌ها به قلمی انجام شده که رنگ آن نسبت به نوشته‌های اصلی تیره‌تر و بعضاً قابل تشخیص است. بنابراین اگر کسی بخواهد نسخه را از دیدگاه زبانی — بویژه آنجا که با رسم‌الخط پیوند می‌یابد — مورد بررسی قرار دهد نباید صرفاً به متن چاپ عکسی اکتفا کند. البته بخش‌هایی از این گونه دستکاری‌ها در همین چاپ عکسی نیز قابل تشخیص است.



چاپ یادشده در «گنجینه نسخه‌برگردان متون فارسی» با پشتیبانی مالی گروهی از ایرانیان و دوستداران فرهنگ این سرزمین منتشر شده است. از این گنجینه پیش از این پنج نسخه به صورت نسخه‌برگردان منتشر شده بود که چهارمین عنوان مجموعه به چاپ دستنویس شاهنامه لندن (نسخه کتابخانه ملی بریتانیا) اختصاص یافته و اکنون دستنویسی دیگر از این متن یعنی شاهنامه سن ژوزف به عنوان ششمین عنوان این مجموعه منتشر شده است.

چاپ نسخه‌برگردان دستنویس سن ژوزف دارای دو دیباچه فارسی بدین قرار است: ۱. گزارش نسخه‌شناسی (از استاد ایرج افشار) ۲. بررسی و ارزیابی نسخه (جلال خالقی مطلق)؛ و یک مقدمه نیز به زبان انگلیسی از دکتر محمود امیدسالار در چاپ درج شده است.^۴ در هر کدام از این مقدمه‌ها به ویژگی‌های گوناگون شاهنامه سن ژوزف و ارزیابی نسخه‌شناسانه و متن‌شناسانه آن پرداخته شده است.

نسخه سن ژوزف از دیدگاه کامل بودن در شمار معدود نسخه‌های کهن این متن به شمار می‌آید چرا که فقط یک صفحه — حدود ۴۰ بیت — از آغاز آن افتاده و از پایان نیز به دلیل کنده‌شدن بخشی از صفحه پایانی — که متأسفانه

نگارنده درباره چاپ نسخه‌برگردان این نسخه که با کوشش‌ها و هزینه شخصی گروهی از دوستداران فرهنگ و ادب ایران منتشر شده سخنی جز ستایش ندارد. آن هم درباره دستنویسی با حجم و قطع شاهنامه که حتی دستگاه‌های متمول نیز از پرداختن بدان تن می‌زنند. تنها به این نکته

۲. چنان که استاد افشار در پایان مقدمه خود یاد کرده‌اند، تصویر نسخه با پیگیری آقای دکتر امیدسالار — که در چاپ دفتر ششم شاهنامه با آقای خالقی مطلق همکاری داشته‌اند — و با یاری دکتر جورج صلیبا فرادست آمده است.

۳. شاید جا داشت که مقدمه‌ای نیز از آقای موسوی درباره نسخه و چگونگی یافتن آن — به عنوان نخستین شناساننده نسخه — درج می‌شد.

۴. آن گونه که از شواهد برمی‌آید این شخص قصد پژوهشی بر شاهنامه را داشته اما از جزئیات آن بی‌خبریم.





چنان که آقای خالقی مطلق در داوری خود درباره نسخه سن ژوزف نوشته‌اند، این نسخه نیز همانند دیگر نسخه‌های شناخته‌شده شاهنامه دارای کاستی‌هایی است که نمی‌توان متن را با تکیه کامل و بر اساس آن تدوین کرد اما کهن بودن نسخه و ضبط‌های قابل توجهی که در آن موجود است باعث شده تا با بهترین نسخه‌های اثر برابری کند و این یکی از مهم‌ترین معیارهایی است که موجب شده است تا نسخه به صورت نسخه‌برگردان منتشر شود.

کتابنامه

«فهرست نسخه‌های خطی فارسی و ترکی المکتبه الشریقه، بیروت- لبنان»، مصطفی موسوی و علی اصغر قهرمانی مقبل، اوراق عتیق، دفتر اول، تهران، ۱۳۸۹ ش، صص ۳۱۳-۳۵۳.

شامل انجامه کاتب نیز می‌شود - حدود شش بیت افتادگی دارد. جز این، در میانه، افتادگی فیزیکی ندارد. بنابراین از دیدگاه کامل بودن حتی بر نسخه لندن نیز برتری دارد.^۵ با این حال افتادگی انجامه نسخه موجب شده است تا تاریخ دقیق آن بر ما مجهول بماند.

آقای خالقی مطلق در دیباجه خود (ص ۷۸) با توجه به قرائن متنی احتمال داده‌اند که کتابت نسخه نباید جلوتر از سال ۷۰۰ ق باشد و استاد افشار با توجه به قرائن نسخه‌شناسی، کتابت آن را «از اواخر قرن هفتم و به احتیاط، اوایل سده هشتم» دانسته‌اند. نویسنده این سطور گمان می‌برد که شیوه خط نسخه شبیه به شیوه‌ای است که در نیمه نخست سده هشتم هجری در فارس - و اختصاصاً شیراز - رایج بوده است؛ چنان که شباهت‌هایی میان خط نسخه سن ژوزف با خط نسخه شاهنامه قوام‌الدین حسن وزیر دیده می‌شود. و به هر حال کتابت نسخه قطعاً از نیمه سده هشتم تازه‌تر نیست.

۵. با توجه به صفحات نونویس آغاز و انجام نسخه لندن که اتفاقاً شامل انجامه آن نسخه نیز می‌شود.